

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید
۰۴ جون ۲۰۱۶

آیا "هاشمیان" و "قاسمی" می فهمند چه می گویند؟

از "هاشمیان" شروع می کنم:

هاشمیان در نظر اخیرش در درجه نظریات پورتال "افغان جرمن-آنلاین" نوشته می کند:

"امروز دوستی بمن [به من] اطلاع داد که سیدهاشم سدید [سیدهاشم سدید] بنوام [به دوام] بد اخلاقی های همیشگی اش باز هم در مورد من از فحاشی کار گرفته و آنرا [آن را] در ویسایت گمنام شعله ای [شعله ئی] ها نشر کرده است - من نوشته سدید [سدید] را خواندم و به این فیصله رسیدم که سدید [سدید] در یک محیط فامیلی ناسالم و اخلاق کوچکی بجل بازها کلان شده، لهذا بدون فحاشی توضیحی بجواب [به جواب] او مینویسم [می نویسم]:

وقتی مقاله ای در ویسایت [پورتال] افغان - جرمن آنلاین [افغان جرمن - آنلاین] به دو نام (نرگس سایه) [نرگس سایه] و (سدید) [سدید] نشر شد و در حالیکه [حالی که] نویسنده ای بنام [به نام] (نرگس سایه) [نرگس سایه] و مقاله ای از قلم او را هیچکس [هیچ کس] ندیده است، اما متن و محتوی [محتوای] مقاله با سبک نگارش (سدید) [سدید] شباهت دارد، من قیاس کردم که سدید [سدید] نام مستعار دیگری بنام [به نام] (نرگس سایه) [نرگس سایه] برای خود اختیار کرده، لهذا از ضرب المثل (تیرشدن از زیر کمان رستم) کار گرفتم - اکنون که سدید [سدید] (نرگس ستایه) [نرگس سایه] را بحیث [به حیث] شاگرد خود معرفی کرده و اعتراف نموده که متن مقاله را خودش دستکاری و ویرایش نموده است، پس قیاس سابق من که مقاله بقلم [به قلم] سدید [سدید] نوشته شده به واقعیت پیوسته است. این واقعیت در توضیحات سدید [سدید] که (نرگس سایه) [نرگس سایه] در جرمنی متولد شده، زبان دری را نخوانده و در خواندن و نوشتن این زبان مشکلات دارد که سدید [سدید] با او کمک میکند [می کند]، بیانگر این واقعیت است که متن مقاله مذکور بقلم [به قلم] سدید [سدید] نوشته شده، سدید [سدید] آنرا [آن را] به نرگس سایه [نرگس سایه] قرائت کرده و موافقه او را گرفته و آنرا [آن را] بنام [به نام] او نشر کرده است. اکنون که هویت خانم (نرگس سایه) [نرگس سایه] بحیث [به حیث] شاگرد سدید [سدید] ثابت شده، دعوت قبلی من از نرگس سایه [نرگس سایه] که برای تثبیت هویت خود در فراتکفورت [فراتکفورت] حاضر شود، نیز از اعتبار ساقط شده است. اما دعوت من از (ناصر مستجاب) [ناصر مستجاب] در ماه جولای به اعتبار خود باقی مانده و در انتظار جواب شان میباشم [می باشم] تا تکت طیاره را در ماه جون ریزر [ریزر] کنم - با احترام - سید خلیل الله هاشمیان"

۱- در مورد نسبت بد اخلاقی همیشگی، اخلاق کوچکی و بجل بازی که "هاشمیان" به من داده، باید گفته آید که آیا "هاشمیان" مقاله ای را که در حدود هفت ماه قبل به سایت "تول افغانستان" روان کرده بود به یاد دارد؟ کلماتی را که "هاشمیان" در آن نوشته اش به کار برده است باید در کدام کته گوری و از کدام نوع اخلاق درجه بندی کنیم؟ کته گوری خوب، عالی یا اعلی. یا بد، بدتر و یا بدترین؟ نوع اخلاق نیک و خوب، یا نوع اخلاق بد و زشت و فاحش و قبیح؟ گوینده یا نویسنده آن کلمات در چگونه محیط فامیلی بزرگ شده بود؟ در محیط سالم یا نا سالم؟ با اخلاق کوچکی یا با اخلاق خانه؟ می خواهم "هاشمیان" یک بار آن کلمات را از نظر بگذرانند و ببینند که میان آن یک جمله ای که من به کار برده ام و آن همه سخنان زشتی که او در آن نوشته به کار برده است، چه تفاوتی وجود دارد؟ جواب ما در برابر آن دشنام چه بود؟ توجه کنید:

"انسان هوشیار هیچ وقت کسانی دیگر را، هر قدر با آن ها بد باشد، به بی ناموسی متهم نمی کند، زیرا می داند که دیگران هم، هم از نظر قلم و هم از نظر زبان و بیان و جرأت این توانائی را دارند که اگر بخواهند از زبان مشابه و رویه بالمثل در برابر وی کار بگیرند و همان کلماتی را در برابر وی به کار ببرند که او در برابر دیگران به کار برده است - حتی رکبیک تر از آن ها را!"

بنابراین کسی که به عزت و آبرو و نام و ناموس خود احترام دارد و آن ها را گرامی می دارد و آرزو ندارد که دیگران سخن بدی به وی و ناموسش به کار ببرند، اگر عقل داشته باشد، کوشش می کند که از گفتن بد و رد به نام و ناموس دیگران خود داری کند و پای زن و فرزند خود و دیگران را در مشاجراتی که بین خودش و دیگران وجود دارد شامل نسازد.

من شخصاً با همه اخلاق ناشائست و حرف های درشت "هاشمیان" به زن و دختر و خواهر و مادر این انسان احمق هزار سلام می فرستم، اما دیگران شاید به چنین عملی دست نزنند و از روی درد بسیار به کسانی که ناموس این دیوانه شناخته می شوند ناسزا های بسیار آبدار و رکبکی بدهند و..."

۲- آیا بعد از این تذکر محترمانه لازم بود "هاشمیان" با خواندن نوشته "نرگس جان" در فکر به اصطلاح خود شان "کمان رستم" بیفتند و از تغییر جنسیت من حرف بزنند؟ ما چندین ماه بگو و مگو داشتیم. بالاخره آن بگو و مگو فرونشست. همه آن بگو و مگو ها و سخن های ته و بالا ایجاب می کرد که دیگر حرفی به میان آورده نشود که آن فضاء دو باره ایجاد شود. "هاشمیان" دعوی فهم و دانش و تحصیل و مدرک و استادی و نمی دانم چه و چه و چه را دارد. آیا با این همه فهم و دانش و تحصیل هنوز درک نکرده است که با کسی که زمانی مشاجره قلمی تندی داشته است نباید دو باره قلم به قلم شود؟ اصلاً شما را به آن که آن نوشته از که بود و که آن را اصلاح نموده ارسال کرده بود، چه؟ چرا شما در هر قضیه باید مداخله کنید، آنهم با آن کلمات توهین آمیز؟ آیا ممکن نبود نظر تان را با نرمی و کلمات بدون بی حرمتی و اهانت و وهن ابراز بدارید؟

۳- مقاله به دو نام نشر نشده است! از من تنها به اسم فرستنده نام برده شده است. هر انسان حتا کودنی با دیدن کلمه فرستنده در کنار اسم من می فهمد که من آن نوشته را فرستاده ام. نویسنده کسی است که اسمش در بالای اسم من نوشته شده است. فرض کنیم که سواد ندارید، عقل که دارید! کمی عقل تان را به کار بیندازید! شما در جای دیگری هم نوشته می کنید که من نفهمیدم این مقاله از "سدید" است یا از "سیستانی"! عجیب نیست؟ من تعجب می کنم به آن کسی که مدرک "دکتر" را به شما داده است؟ و به آن هائی که شما را دکتر و استاد و نابغه و چه و چه می نامند! آیا شما در کنار اسم آقای "سیستانی" کلمه "ارسالی" را ندیده اید؟ یا اینست که معنی کلمه "ارسالی" تا کنون برای تان مدلول و

مفهوم نیست؟ بگذریم که این قصه سر و پای بسیار بسیار درازی دارد و شما و دوستان تان از بخت بد ما آن مغزی را ندارید که متوجه چیزی شوید!

۴- شما مرا استاد "نرکس جان" خطاب نموده اید. من و استادی بسیار دور هستیم. "نرکس جان" لطف دارد. این عنوان را به من اعطا کرد، من نخواستم با احساس شان بازی کنم. آنچه را که نوشته اند، همان طور گذاشتم. نوشته اش را با همان متنی که نوشته بودند، تنها به ادبیات دیگری، همان گونه که خودش می خواست، اصلاح کردم. در متن هیچ تغییری به وجود نیامده است. او از فرایند و بحث هائی که نوشته وی به وجود آورده است زیاد متأثر شده است. می خواهد نظر و تأثر خویش را در این باره به زبان المانی و به قلم خود بنویسد و باز هم از آدرس خود به پورتال "افغان جرمن-آنلاین" بفرستد. اما چون از صبح تا هشت شب مصروف کار است، به احتمال زیاد این کار را فردا که شنبه است یا پس فردا، شاید هم شنبه و یکشنبه بعدی بکند و به این غلط فهمی ها خاتمه بدهد! رابطه من و "نرکس جان" رابطه دو دوست است که هر دو استاد یک دیگر هستیم. من به او نوشتن فارسی یاد می دهم و او به من زبان المانی و برخی کار های کامپیوتر و... را. در واقع او بیشتر حق استادی بر من دارد!

۵- من نگفتم که او به فارسی نوشته کرده نمی تواند. گفتم که به زبان فارسی به خوبی نوشته کرده نمی تواند. معنی این سخن به فکر من و به فکر کسانی که کمی نوشته ها را دقیق تر می خوانند، یا سواد و هوش کافی دارند، این است که او می تواند بنویسد، اما نه خوب، و یا به قدر ضرورت. یعنی نوشته او به اصلاح ضرورت دارد. یعنی او به کمک نیاز دارد. شما نوشته می کنید که "نرگس" در خواندن و نوشتن مشکلات دارد! که این سخن را زده است؟ نوشته من را یک بار دیگر بخوانید. من به وضوح نوشته کرده ام که فارسی را به خوبی و بدون مشکل می تواند بخواند و بفهمد، تنها در نوشتن کند هستند. نوشته های شما همیشه به مصداق "ده در کجا و درخت ها در کجا" هستند. شما همیشه از آسمان گز می کنید! هر چه دل تان خواست می نویسید. یکی از دلایلی که بحث های ما به جایی نمی رسد، همین است که شما نوشته های دیگران را بدرستی نمی خوانید، یا می خوانید، ولی قصداً آن را به مغالطه می کشانید. در هر دو صورت کار شما پسندیده نیست!

۶- غلط و درست! غلط: ۱) چون متن مقاله را "نرگس جان" به فارسی نوشته با همان توان قلمی شکسته خود و برخی از کلمات المانی در جا هائی که نوشتن کلمات فارسی برایش مقدور نبوده است. ۲) مقاله را من اصلاح نموده ام. و درست، چون بعد از اصلاح مقاله را من برایش خوانده ام و او آن را تأیید کرده است. بهتر است شما نوشته ها را دقیق بخوانید. اگر در فهم موضوع مشکل دارید، از کسانی دیگر کمک بگیرید. با این کار نه وقت شما ضایع می شود و نه وقت من و خوانندگانی که خسته نمی شوند و در هر حالی می خواهند نوشته های من و شما را بخوانند.

۷- دعوت شما از "نرکس جان" که به فرانکفورت بیاید، هر چند در نوشته های قبلی تان چنین چیزی دیده نشده است، بسیار بسیار کودکانه است! اگر کسی بخواهد هویت خود را ثابت کند، صد راه وجود دارد. انسان می تواند کاپی تذکره اش، سند تحصیلی اش یا ده ها مدرک دیگر را، مثلی که من از ارسال کاپی نوشته های "نرکس جان" که در یک مجله هندی انگلیسی زبان با عکس و نامش چاپ شده است به داکتر صاحب کاظم یاد کرده بودم، در صفحه انترنت چاپ کند. چه ضرور که کسی، مانند "نرگس جان" با این همه مصروفیت ها از چندین صد کیلو متر دور تر برخاسته و به فرانکفورت بیاید تا برای شما ثابت کند که بلی، این منم! آخر شما که هستید؟ سر پیاز یا کون پیاز؟؟!

و اما پیامی هم به شخصی به نام "قاسم قاسمی":

ببینید قاسم خان قاسمی! تنها با بد گفتن یک انسان یا یک نوشته مردم شاید نپذیرند که آن کس یا آن نوشته بد است! وقتی می گوئیم: احمد بد است، باید توضیح کنیم که چرا احمد بد است. این هم برای یک داور خوب کفایت نمی کند. برای این

کار به سند و مدرک و با آوردن شاهد ضرورت است. دنیای ما دنیای دزد گفتن و بر بستن نیست! مقاله بویناک است! چرا؟ به چه دلیل؟ وقتی که شما می گوئید این مقاله بویناک و ناقص، بد، نادرست، و ضعیف و... است، باید توضیح کنید که به چه دلیلی آن مقاله بویناک و ناقص و بد و نادرست و ضعیف است. با این سخن تان شما هم در برابر من نگارنده و هم در برابر خواننده های خود اخلاقاً مسؤول هستید که نقطه نظر های تان را در باب آن نوشته بیان کرده ثابت کنید که آن نوشته بویناک و ناقص و بد و... است، در غیر آن شما از جمله کسانی پنداشته می شوید که یا فهم درست ندارید، یا بی سواد هستید، یا غرض دارید، یا حسود هستید، یا کسی شما را پیش کرده است، یا می خواهید خود را سر زبان ها بیندازید و یا برای هتک شخصیت نویسنده از کسی پول گرفته است و...

برخی از نوشته های من از نظر شما بویناک اند. کدام نوشته ها بویناک اند؛ به چه دلیل؟ من در همین جا به شما چلنج می دهم تا با ارائه شواهد و توضیح علمی - تاریخی - فرهنگی - ادبی - دینی این ادعای تان را ثابت کنید، در غیر آن، من آن سخن شما را به خود شما راجع خواهم ساخت! باز هم می گویم که دنیای ما دنیای دزد گفتن و بر بستن نیست!

۲۰۱۶/۰۶/۰۳

یادداشت:

نشانی اغلاط املانی و انشائی "هاشمیان" به رنگ سرخ که در دو بند، ۴۶ غلطی فاحش را مرتکب شده است و برای کسی که ادعای استادی دارد، چیزی بالاتر از اقتضاح است، به وسیله ویراستاران پورتال صورت پذیرفته است.

اداره پورتال AA-AA